

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۲۲ دسمبر ۲۰۲۱

بحران افغانستان "گاو شیری" پاکستان!

(۳)

سه شنبه - ۳۰ قوس ۱۴۰۰ - کابل:

۴- مکث کوتاهی به سخنان یکی دو تن از شرکت کنندگان:

الف - عمران خان صدراعظم پاکستان: علی رغم این که اعتقاد راسخ دارم وقتی حرفی شنیده می شود و قرار است مورد تبصره قرار گیرد، می باید به این اصل توجه نمود که "چه گفت؟" نه این که "که گفت؟"؛ یعنی می باید محتوای گفته مورد غور قرار گیرد، نه گوینده آن؛ مگر وقتی ارتباط دیالکتیکی بین گوینده و حرف موجود باشد و در واقع گوینده حرفش را بر مبنای مواضع سیاسی بیان نموده باشد، الزام آور می گردد تا همزمان با "چیستی سخن" به "کیستی گوینده" نیز پرداخته شود. از همین رو نخست توجه شما را به معرفی مختصر عمران خان صدراعظم پاکستان جلب می نمایم:

« عمران خان (متولد ۵ اکتوبر ۱۹۵۲ در خانواده ای پشتون از قبیله غلجائی شاخه نیازی با نام عمران خان نیازی)، نخست وزیر پاکستان که در ۱۸ اگست ۲۰۱۸ سوگند یاد کرد، سیاستمدار و بازیکن سابق کریکت است. وی به مدت دو دهه در پایان سده بیستم میلادی در سطح جهانی به بازی کریکت مشغول بود و پس از بازنشستگی به سیاست روی آورد»- ویکی پدیا

با تذکر این مختصر بدون آن که قصد اهانت به آن عده از ورزشکارانی که به صورت حرفه ئی و یا حد اقل به صورت نیمه حرفه ئی سیاست هم نموده اند را داشته باشم، می توان نوشت که "عمران خان" یک "توپ جمع کنی" بوده که بعد از کنار گذاشتن زندگی فعال ورزشی به دنیای سیاست روی آورده است.

و اما این که چه چیز باعث این روی آوری به سیاست گردیده از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. تا جایی که از مطالعه تاریخ سیاسی و حاکمیت در پاکستان بر می آید، از زمان تولد نامیمون کشوری به نام پاکستان، کلاً حاکمیت را سه نیرو به عهده داشته است، ارتش آن کشور، حزب مردم با خاندان بوتو و نواز شریف با بخش خجالتی اخوانیت پاکستان. ارتش پاکستان که زمامداری را خاص و حق پدری خود بر پاکستان می داند، در تمام دهه های گذشته، از طریق ائتلاف های شکنند با یکی از دوحزب نامبرده، کوشیده است بر پاکستان حاکمیت نماید، مگر چون احزاب بین مناطق معینی از پاکستان از نفوذ گسترده توده ئی برخوردار بوده اند، همکاری آنها با ارتش پاکستان زیاد دوام ننموده،

به فاصله گیری از ارتش آغاز نموده اند، این فاصله گیری منجر به کودتا های نظامی شده و عواقبی را در عرصه ملی و بین المللی بر پاکستان تحمیل نموده است.

ارتش پاکستان بعد از عقد ده ها ائتلاف و سازش با هریک از دو حزب نامبرده، سرانجام به این ستراتیژی رسید که می باید سرانجام حسابش را از دو حزب نامبرده قسمی جدا سازد و آنها را از قدرت نیز به دور افکند که نه دیگر برای آنها چانس اداره کشور مساعد گردد و نه هم ارتش وادار و یا متهم به کودتا گردد. برای دفع این مشکل آنها به نام کسی می پالیدند که هم در جامعه به قدر کافی شناخته شده باشد و هم از لحاظ سیاسی آنقدر بی ریشه باشد که هیچ گاهی به فکر تمرد از فرامین ارتش و استخبارات نظامی پاکستان نیفتد. این فرد را به کمک و تضمین "ام. آی. ۶" انگلستان در وجود "عمران خان" که آنزمان با خانواده انگلیس شده اش در انگلستان زندگانی می نمود، یافته، با سوءاستفاده از شناخت گسترده ای که مردم پاکستان از وی به مثابه یک ورزشکار داشتند، در جریان یک انتخابات پر از تقلب، وی را بر اریکه قدرت نشاند، در واقع ارتش و "آی. اس. آی" وی را به مثابه سخنگوی خود به قدرت رساندند.

با در نظر داشت این روند تاریخی، با جرأت می توان گفت: سخنان عمران خان در حقیقت سخنان "ام. آی. ۶" و "آی. اس. آی." است که از دهان یک گماشته شان بیان می گردد. یعنی وقتی "عمران خان" از غرب و مجموع جهان می خواهد تا با در نظر داشت تفاوت های فرهنگی- به زبان ساده عقب ماندگی فرهنگی و سنت های قبیله ئی- بر نظام ملاسلار فشار وارد نمایند که چرا زنان از کار اخراج شده اند و یا مکاتب دختران مسدود شده اند، این سخنان هرچند از دهان این "خان" که مردم کابل آن را مخف "خر - احمق - نادان" معنا نموده اند، بیان شده است، مگر در واقعیت، سخنانی است که اعتقاد برخاسته از نفرت "ام. آی. ۶" و "آی. اس. آی." را نمایان ساخته است.

از آن جایی که "خان"- در همه جای نوشته کلمه "خان" به همان تعریف مردم کابل منظور است- با زیرکی استخباراتی کوشیده است، تا حساب کلیت باشندگان افغانستان و تاریخ مشعشع حوزه فرهنگی زبان دری-فارسی را از اقوام پشتون و سطح فرهنگی آنها مجزا نماید در غیر آن با سیلی "رابعه بلخی" این تک ستاره شعر و آزدگی در عصر خودش، می شد وی را ادب کرد، برخورد و نقد وادب کردن این نوکر انگلیس را می گذاریم به آنهایی که شناخت بیشتری از زنان رزمنده، آگاه، سخندان و سخنور در بین قبایل مختلف قوم پشتون دارند.

صرف به مثابه آغاز بحث به استقامت "خان" باید بگویم که من از سطح فرهنگی زنان آنطرف خط دیورند یعنی خواهر و مادر "خان" اطلاع ندارم و این را هم نمی دانم که آنها اصولاً زبان مکالمه را بلد اند و یا هنوز هم به زبان اشاره و اصوات از نظر ما نامفهوم با یک دیگرافهام و تفهیم می نمایند، مگر خوشبختانه در شمال خط دیورند ما در بین قوم پشتون، از "ملالی" ها گرفته، تا "نازوانا" ها و از "عایشه درانی" ها گرفته تا "زینب هوتکی" ها را داریم که نه تنها در شعر و شاعری و ادب حرفی برای گفتن داشتند، بلکه در درک سیاسی خود از منافع ملی کشور ستاره های درخشانی بودند، که "خان" و هزاران "خان مشابه" ظرفیت نگریستن به گردپای آنها را ندارند.

ادامه دارد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!